

## سیلی که تمام بی‌کفایتی جمهوری اسلامی را به روی آب ریخت

مردم خوزستان و استان های دیگری همانند بوشهر، هرمزگان، کرمان، فارس، گیلان و سیستان و بلوچستان همچنان درگیر تبعات سنگین سیلاب هستند. سیلی که در روزهای گذشته، تمام زندگی آنان را در مقابل چشمان شان به تاراج برد. در این میان، مردم خوزستان سال ها است که با ویرانی ریزگردها و طغیان آب رودخانه ها مواجه اند و اکنون نیز با یک بارندگی شدید چند روزه، سیل و فاضلاب به درون خانه و اتاق های شان جاری شده است. مردمی تنها و بی پناه که تا کمر در سیلاب و لجن و گنداب فرو رفته و تقلا می کنند تا اموال شان را نجات دهند؛ ماشین هایی که اسیر امواج خروشان سیل شده اند؛ زنان و مردانی که در میانه سیلاب ضجه می کشند و مسئولان کشور را "بی غیرت" می خوانند. در میان رنج و اندوه فیلم های منتشر شده، یکی از سیل زدگان دست از تقلا برداشته و با نفس های گرم خود در نی انبان می دمد، تا به دیگران بگوید، "این شادی از هزار غم تلخ تر است".

در میان انبوه رنج مردم سیل زده، نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی دیده می شوند که مثل همیشه مردم عاصی و به فغان آمده از سیل و سیلاب را به سرکوب تهدید می کنند. زنی در پاسخ به مزدوران مسلح رژیم که مردم را به تیراندازی تهدید کرده است، نهیب می زند، "به سینه ام" شلیک کنید ما دیگر چیزی برای از دست دادن نداریم. پیرمردی در مقابل دوربین، اینبار نه از سیلاب، که از بوی گند فاضلاب جاری شده در درون خانه های شان می نالد: "کنوم یک از مسئولان توی این بو می تونه زندگی کنه. آخه آب بره این بو که نمی ره". آن دیگری با بعضی فرو خورده می گوید: "مسئولان کشور با ما نیستند" و زنی میان سال، در میانه آب مسئولان کشور را "بی غیرت" خطاب می کند.

چه روزگار غریبی است و چه سرنوشت غم انگیزی برای مردم استان های سیل زده خاصه خوزستان و هرمزگان و بوشهر رقم خورده است. مردمانی که خود بر دریایی از نفت و گاز و ثروت نشسته اند، اما فقیر و بیکارند، سال از پس سال، با سیل و آبگرفتگی و جاری شدن گنداب فاضلاب به میانه زندگی شان مواجه اند.

ای کاش مسئولان جنایتکار جمهوری اسلامی فقط با مردم نبودند، ای کاش آنان فقط به دزدی و اختلاس و غارتگری سرمایه های این مردم بسنده می کردند. مسئولان جمهوری اسلامی، نه تنها با توده های مصیبت زده همراه نیستند، که

در صفحه ۲

## واکسیناسیون همگانی، مطمئن و رایگان حق تمام مردم ساکن ایران است

برای خرید واکسن کرونا به تناقض‌گویی‌هایی فاحش افتاده است.

یک روز روحانی اعلام می‌کند که دستور تامین بودجه برای خرید واکسن را داده است، روزی دیگر اعلام می‌کند که دستور خرید واکسن از یکی از کشورهای تولیدکننده را داده است، اما جالب این‌که نه نام کشور را می‌برد و نه مبلغی را که باید برای تهیه واکسن به "کوواکس" بپردازد تاکنون پرداخت شده است. این در ۳ صفحه

در حالی که قریب به اتفاق دولت‌های جهان اقدامات معینی برای خرید واکسن کرونا انجام داده و حتی برخی از دولت‌ها همچون دولت کانادا چندین برابر جمعیت کشور واکسن کرونا را پیش خرید کرده‌اند، دولت جمهوری اسلامی به‌عنوان یکی از بی‌کفایت‌ترین دولت‌های حال حاضر جهان تاکنون تنها نظارمگر اقدامات دیگران بوده و اکنون که در اثر فشار افکار عمومی برای واکسیناسیون همگانی، مطمئن و رایگان، مجبور به واکنش شده است، به دلیل عدم اقدام واقعی

## بیکاری فزاینده و راه‌هایی قطعی از شر آن



روز ۱۹ آذر گروهی از جوانان بیکار و جویای کار روستای شهریوی، از ساعت شش صبح درمقابل در ورودی پالایشگاه بید بلند بهیبهان دست به تجمع زدند و خواهان آن شدند که پالایشگاه، کاری به آن‌ها واگذار کند. این برای چندمین بار بود که جوانان بیکار مقابل این پالایشگاه دست به تجمع زده و خواهان کار می‌شدند. اما درمقابل این حرکت نه‌فقط به خواست آن‌ها توجهی نشد و کاری به جوانان بیکار و جویندگان کار که بخشا با خانواده‌های خود درمحل تجمع کرده بودند واگذار نشد، بلکه برای مقابله با آن‌ها، نیروی گاردویژه وارد صحنه شد. در همین روز صدها تن از جوانان

در صفحه ۵

## سرمایه‌داری و رونق بازار جهانی جنگ‌افزار

همواره رونق خود را حفظ کرده، صنعت جنگ‌افزارسازی است. جهان سرمایه‌داری پس از بحران ۲۰۰۷ هرگز نتوانست به یک رونق نسبی دست یابد. پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری هنوز سیاست ریاضت را برای جبران هزینه‌های این بحران ادامه می‌دهند و فشاری مضاعف بر گرده طبقه کارگر وارد می‌آورند، اما این بحران و رکود اقتصادی درازمدت جهان سرمایه‌داری مانع از آن نشده است که در تمام این سال‌ها تا به امروز، دولت‌های کشورهای سرمایه‌داری، بودجه‌های نظامی خود را پی‌درپی افزایش دهند. اگر به آمار و ارقام هزینه‌های نظامی رجوع شود، آشکار است که هزینه‌های نظامی تقریباً عموم کشورهای

در صفحه ۸

نظامی‌گری و جنگ‌افروزی از صفات ذاتی سرمایه‌داری است که در بالاترین مرحله تکامل این نظام، هنگامی‌که تضادها به منتها درجه تشدید شد و منازعه بر سر تقسیم بازارهای جهان میان انحصارات اقتصادی و قدرت‌های سیاسی امپریالیست، وقوع جنگ‌ها را به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل نموده، ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. این نظامی‌گری، جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی، بازار پررونقی برای صنایع تسلیحاتی جهان پدید آورده که پیوسته در حال تولید حجم هرچه بیشتری از پیشرفته‌ترین مستلزمات این‌که اقتصاد سرمایه‌داری با رکود یا رونق مواجه باشد، فقر، بیکاری و گرسنگی، افزایش یا کاهش داشته باشد، تنها صنعتی که

## سیلی که تمام بی‌کفایتی جمهوری اسلامی را به روی آب ریخت

علیه‌شان نیز هستند. مردم را می‌کشند، خانه‌ها را بر سرشان آوار می‌کنند، با هر صدای اعتراضی، به رگبارشان می‌بندند، هر فریاد دادخواهی را در گلو خفه می‌کنند و در اصل هیچ حقی برای توده‌های ستمدیده مردم ایران قائل نیستند. برای مزدوران و مسئولان نظام، فرقی هم نمی‌کند که در کدام بخش و با چه عنوانی بر مسند قدرت تکیه زده‌اند، رهبر باشد، یا رئیس جمهور، نماینده یا دادستان کل، قاضی القضاات یا رئیس مجلس ارتجاع، استاندار یا شهردار، فرمانده سپاه یا یک بسیجی مزدور. آنان در هر پست و مقامی که باشند، فقط به مردم دروغ می‌گویند، حاصل کار و زحمت مردم را می‌زدند، سرمایه‌های کشور را به جیب می‌زنند، قتل و کشتار می‌کنند و در پس هر کشتار و فاجعه‌ای، توده‌های مردم ایران را به سخره می‌گیرند.

فیلم‌های سیل روزهای گذشته که در شبکه‌های مجازی منتشر شده‌اند، آئینه تمام‌نمای "بی‌غیرتی"، بی‌مسئولیتی و پرخاشگری مسئولان جمهوری اسلامی به همین مردمان سیل زده است. توده‌های مردمی که تمام هستی خود را از دست داده‌اند.

اگر سیل روزهای اخیر هستی بسیاری از مردم سیل زده را از آنان گرفت، اگر گنداب و لجن و فاضلاب به درون خانه‌های مردم سرریز شد، اگر در هرزگان و بوشهر، دست کم ۹ نفر از جمله دو زن در شهرستان دشتستان قربانی سیل شدند، اگر مناطق روستایی یکسره در آب فرو رفتند، این سیل اما نیمه دیگری هم داشت. نیمه دیگری که زدگی و اختلاس و تعفن و گند و کثافات درونی نظام جمهوری اسلامی را به روی آب آورد.

غلامرضا شریعتی، استاندار دزد و فاسد خوزستان، از جمله کسانی بود که پیش از همه بی‌مسئولیتی خود را در قبال سیل و سیل زدگان آشکار ساخت. او، در مقام بالاترین مسئول اجرایی استان خوزستان، در مقابل پرسش مجری سیمای جمهوری اسلامی که از او می‌پرسد برای مقابله با سیل خوزستان چکار کردید، وقیحانه جواب داد: "من مسئول سیل نیستم." غلامرضا شریعتی، که این چنین گستاخانه در مقابل دوربین جار می‌زند که "من مسئول سیل نیستم"، همان استاندار "ذکرگوی" خوزستان است که در سیل سال گذشته با پرخاشگری به یکی از سیل زدگان معترض که زندگی خود را در سیل از دست داده بود، او را "ضد انقلاب" خطاب کرد تا مقدمات پرونده‌سازی و خفه کردن صدای اعتراض او را فراهم سازد. شریعتی، همان کسی است که در جریان دادگاه اختلاس بیش از یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلاری امید اسد بیگی - کارفرمای دزد و فاسد نیشکر هفت تپه - پرونده رشوه‌خواری او و همسرش در رسانه‌های کشور بازتاب عمومی یافت.

باز پرس پرونده فساد اسد بیگی در جلسه دادگاه اعلام کرد، امید اسد بیگی گفته است، مبلغ ۲۵ هزار دلار برای سفرهای خارجی همسر غلامرضا شریعتی و ۲۰۰ هزار دلار دیگر هم برای استاندار خوزستان و خانواده وی هزینه کرده است. به راستی چه روزگار غریبی ست.

استاندار دزد و تسییح بدستی که در دو سال گذشته مدام برای پرونده‌سازی، دستگیری و گسیل نیروی پلیس برای سرکوب کارگران نیشکر هفت تپه همواره در صف اول سرکوب و بگیر و به بند آنان بوده است، اکنون که نوبت به سیل زدگان رسیده است، خود را میرا از هر مسئولیتی در مقابل سیل و سیل زدگان می‌داند. سیل خوزستان البته، فقط رسوائی و بی‌کفایتی استاندار خوزستان را به سطح آب نیاورد؛ پس از او، علیرضا حقیقی پور، مسئول آب و فاضلاب خوزستان نیز اعلام کرد، که مسئول وقوع سیل و فاضلاب در استان نیست. بعد از اعلام بی‌مسئولیتی استاندار و مسئول آبفای استان، شهرداران خوزستان از جمله شهردار اهواز و سرپرست نیز از پذیرش هرگونه مسئولیتی در قبال وقوع فاجعه سیل و آوار شدن خانه‌ها بر سر سیل زدگان شانه خالی کردند.

با شکل‌گیری این وضعیت و تکرار طنز تلخ "کی بود کی بود من نبودم"، طنزهای دیگری نیز در شبکه‌های اجتماعی ساخته و دست به دست شدند. طنزهایی نظیر اطلاعیه‌ای "برای جست و جو و یافتن سه مسئول" گمشده خوزستان. این سه مسئول، جز غلامرضا شریعتی، استاندار خوزستان! علیرضا حقیقی پور، مدیر آب و فاضلاب این استان و موسی شاعری، شهردار اهواز کسان دیگری نبودند. البته با توجه به پرونده اختلاس و رشوه‌خواری غلامرضا شریعتی و نیز دست به دست شدن سخنان او مبنی بر اینکه "من مسئول سیل نیستم"، شبکه‌های اجتماعی نسبت به اصرار دولت بر ابقاء او در مقام استانداری خوزستان نیز واکنش نشان دادند. شهروندی نوشت: "اصراری را که دولت در ابقاء استاندار خوزستان دارد، اگر اندکی این اصرار و جدیت و پافشاری را در حل معضلات خوزستان به خرج می‌داد، اکنون مشکل آبگرفتگی استان حل شده بود." ادامه وضعیت "کی بود کی بود من نبودم" به آنجا کشیده شد که نماینده سرپرست در مجلس ارتجاع نیز در مقابل اعتراض سیل زدگان با عتاب و پرخاشگری به آنان بگوید، اگر شهردار بی‌عرضه است، او منتخب شورای شهر است، همان شورایی که شما مردم سیل زده به اعضای آن رای دادید تا بروند شهردار انتخاب کنند. پس خود کرده را تدبیر نیست.

به روی آب آمدن عمق بی‌کفایتی، نالایی و بی‌مسئولیتی مسئولان در مناطق سیل زده، خاصه در استان‌های خوزستان و بوشهر اما تمام ماجرا نبوده و نیست. سیل خوزستان، علاوه بر آشکار کردن بی‌مسئولیتی مسئولان استانی، تعفن و گنداب اختلاس‌های صورت گرفته در همان حداقل بودجه‌های اختصاص داده شده برای لایروبی رودخانه‌ها و کانال‌ها و بازسازی زیرساخت‌های شهری را نیز به سطح آب آورد. عدم پرداخت بودجه‌های مصوب و نیز عدم اختصاص بودجه لازم برای جلوگیری از وقوع سیل و جاری شدن فاضلاب از جمله موارد دیگری بوده‌اند که با سیل اخیر از عمق نهان خانه دولت و هیئت حاکمه ایران بر سطح آب جاری شدند.

اسماعیل نجار، رئیس سازمان بحران کشور،

روز دوشنبه ۱۶ آذر اعلام کرد: مبلغ ۵ هزار و ۸۴ میلیارد تومان بودجه پیشنهادی ما برای بودجه سال ۱۳۹۹ بود، که فقط ۳۰۰ میلیارد تومان در بودجه ۹۹ تصویب شد. از این میزان هم تا کنون هیچ مبلغی برای بخش اجرایی استان خوزستان واریز نشده است.

سلامت نیوز به نقل از روزنامه اعتماد و از قول مجتبی بوسفی، نماینده اهواز در مجلس ارتجاع نوشت: "چند سال قبل مقام معظم رهبری ۱۰۰ میلیون یورو برای حل مشکلات استان اختصاص دادند و عملاً بنا بود که از سال گذشته این مبلغ اختصاص پیدا کند؛ با پیگیری‌ها قرار بود که ۵۰ میلیون یورو، برای امسال تخصیص داده شود، اما تا به امروز ۱۸ میلیون یورو را دریافت کرده‌ایم." صادق حقیقی پور، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب خوزستان نیز گفته است: "شبکه فاضلاب داغان است و به درد هیچ چیزی نمی‌خورد و با ۱۰۰ میلیون یورو اعتبار در نظر گرفته شده برای این شبکه نیز، تنها حدود ۵۰ درصد بهبود حاصل می‌شود." فرج الله گردزنگنه، رئیس شورای شهر سرپرست نیز به همشهری گفته است: "برآورد شورای شهر نشان می‌داد که ما حدود ۵۰ میلیارد تومان اعتبار برای حل مشکل دفع آب‌های سطحی نیاز داریم که تا کنون هیچ اعتباری به این منظور به ما داده نشده است... شبکه فاضلاب بندر نیز بیش از ۱۰ سال است که لایروبی نشده است."

از بی‌توجهی هیئت حاکمه و بی‌مسئولیتی دولت در عدم تخصیص بودجه لازم برای لایروبی و بهینه‌سازی زیرساخت‌های شهری در مناطق سیل زده که بگذریم، به موضوع زدگی و اختلاس در همان حداقل‌های بودجه اختصاصی برای شهرهای در معرض سیل می‌رسیم که این روزها در دعوی "کی بود کی بود من نبودم" بازتاب بیرونی یافته‌اند. نمونه‌اش بی‌خبری از سرنوشت وام چند صد میلیون دلاری بانک جهانی است که برای بهینه‌سازی زیرساخت‌های شهرهای سیل‌خیز به دولت ایران پرداخت شده است. در گزارش سایت سلامت نیوز که روز سه‌شنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۹، انتشار یافت، آمده است: "حدود ۱۵ سال پیش بانک جهانی، ذیل پروژه‌ای، مبلغ ۱۴۹ میلیون دلار برای اصلاح و تکمیل آب و فاضلاب شهرهای اهواز و مبلغ ۱۲۷ میلیون یورو نیز برای شیراز و دو شهر دیگر اختصاص داد. حالا خبری جز صحبت‌های متعارض مسئولان نظام در مورد سرنوشت این وام‌های دریافت شده نیست."

سلامت نیوز، از قول نماینده اهواز در مورد سرنوشت این وام‌های دریافت شده نوشته است: "این ۱۴۹ میلیون دلار را اگر به قیمت ارز امروز محاسبه کنیم، رقم چند هزار میلیارد تومانی می‌شود... مبلغی که کسی از سرنوشت آن خبری ندارد و اگر این مبلغ اختصاص پیدا می‌کرد این مشکلات را در اهواز و کوه عبدالله نداشتیم." یعنی پس از ۱۵ سال معلوم نیست این چند صد میلیون یورو کجاست؟ در کجا مصرف شده و یا به جیب چه نهادهایی رفته است؟ در این میان آنچه آشکار است، سرنوشت "اصلاح و تکمیل آب و فاضلاب شهرهای اهواز و شیراز و تصفیه‌خانه‌های خوزستان هستند که به سرانجام نرسیده‌اند."

در همین رابطه تنها خبری که این روزها به درصفحه ۷

## واکسیناسیون همگانی، مطمئن و رایگان حق تمام مردم ساکن ایران است

حالیست که در بودجه سال ۱۴۰۰ مبلغ دو میلیارد دلار تنها برای "حفظ نظم و امنیت عمومی" (بخوان حفظ امنیت جمهوری اسلامی) از صندوق توسعه ملی اختصاص داده شده است. لازم به توضیح است که "کوواکس" نهادیست که از سوی سازمان بهداشت جهانی برای توزیع "عادلانه" واکسن کرونا تشکیل شده و ۱۸۸ کشور جهان یعنی اکثریت قریب به اتفاق عضو آن شده‌اند و تنها دولت‌های مهمی که عضو آن نیستند دولت‌های آمریکا و روسیه می‌باشند. در این نهاد کشورهای ثروتمند (از جمله اتحادیه اروپا، کانادا، چین و غیره) متعهد شده‌اند که مبلغ معینی برای تهیه واکسن برای کشورهای فقیر اختصاص دهند، اما کشورهای هم‌چون ایران که از امکانات مالی مناسبی برخوردارند خود باید مبلغی به‌عنوان پیش‌پرداخت خرید واکسن به حساب این نهاد واریز کنند که دولت جمهوری اسلامی به‌رغم عضویت در این نهاد به بهانه‌هایی واهی هنوز هیچ مبلغی را واریز نکرده است و واضح است که در صورت عدم پرداخت وجه، دریافت واکسن از سوی "کوواکس" با مشکل روبرو خواهد شد.

تنها کمی دقت به تناقضات و سخنان مقامات جمهوری اسلامی روشن می‌کند که علت واقعی این امر در این است که تاکنون اراده‌ای برای خرید واکسن در میان مقامات جمهوری اسلامی وجود نداشته است. در این میان همتی رئیس بانک مرکزی اولین کسیست که با دروغ‌های شاخدار خود توجه‌ها را جلب می‌کند. وی ابتدا مدعی شد که به دلیل تحریم‌ها امکان انتقال پول برای خرید واکسن کرونا وجود ندارد. اما وقتی که با افشاگری‌های داخلی مواجه شد سخنان خود را تغییر داده و گفت خرید دارو امکان دارد اما خرید واکسن با مشکل روبرو شده است!!!

ناصر ریاحی رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو در ایران یکی از افرادی بود که تأیید امکان خرید واکسن کرونا از طرف او و انعکاس آن در رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، منجر به واکنش مقامات دولتی شد. وی روز چهارشنبه ۱۹ آذر در گفتگو با روزنامه پزشکی "سپید" گفت: "ما نیازهای دارویی کشور را به طرق مختلف و حتی از شرکت‌های داروسازی آمریکایی، اروپایی و مواد اولیه‌ساز هندی، چین و روسی وارد می‌کنیم و در همه این معاملات هم ارز منتقل می‌شود... بانک مرکزی ماهیانه ۱۰۰ میلیون یورو برای واردات دارو و مواد اولیه آن و نیز واردات تجهیزات پزشکی به شرکت‌ها می‌دهد درحالی که اگر این روند جاری نبود تخصیص ارز بی‌معنا بود." وی همچنین گفت: "در تحویل واکسن به کشورها از طریق طرح کوواکس اولویت را به کشورهای می‌دهند که واکسن را پیش خرید کرده‌اند." پس از سخنان وی بود که سخنگوی وزارت خارجه و سعید نمکی وزیر بهداشت از بازشدن گرهبایی برای پرداخت پول

برای خرید واکسن کرونا خبر دادند!!! سعید نمکی در یک برنامه تلویزیونی گفت: "تهیه واکسن کرونا تحت تأثیر فشارهای ناجوانمردانه آمریکایی‌ها و مشکلات در نقل و انتقال پول قرار داشت که خوشبختانه گرهبای آن دارد گشوده می‌شود و به این ترتیب واکسن وارداتی کرونا برای تزیق در گروه‌های آسیب پذیر وارد کشور خواهد شد." سخنگوی وزارت خارجه نیز گفت: "در زمینه تامین منابع واکسن، مشکلاتی برای پرداخت پول آن داشتیم که قسمتی از آن حل شده و امیدواریم طی روزهای آینده قسمت‌های دیگر نیز حل شود."

جدا از ناصر ریاحی، امیر سوادکوهی رئیس انجمن مراقبت‌های ویژه در گفتگو با خبرگزاری ایلنا انتقادات شدیدی را متوجه کابینه روحانی کرد. وی گفت: "موضوع این است که پولی در ایران بابت این سیستم خرج نشده است و هنوز تفکر مسئولان ایمنی گله‌ای است که من به عنوان رییس انجمن مراقبت‌های ویژه کاملاً مخالف ایمنی گله‌ای هستم و چنین دیدگاهی را محکوم می‌کنم. اما متأسفانه این دیدگاه، سیاست ارجح سیستم اجرایی کشور است... برای مبارزه با کرونا پول چندانی خرج نشده است." وی سپس ادامه داد: "در بحث واکسن آنفولانزا مدعی شدند که دو میلیون دوز واکسن سفارش دادند و مشخص شد که ۲۵۰ هزار دوز وارد کشور شده است.... اگر سفارشی برای واردات واکسن کرونا داده‌اند چرا برگه سفارشی وجود ندارد؟ تمام کشورها خرید و رزرو واردات واکسن را اطلاع‌رسانی می‌کنند و کشور و شرکت مقابل هم که سفارشات را که دریافت کرده، مبدا و میزان سفارشات را در رسانه‌ها مطرح می‌کند. بنابراین اگر ایران سفارشی برای خرید واکسن کرونا داده بود، اعلام می‌شد و چطور است که ایران در هیچ لیستی از سفارشات هیچ کشوری قرار ندارد.... رییس بانک مرکزی هر چند اعلام می‌کند که به دلیل تحریم‌ها نمی‌توان واکسن وارد کرد، اما دارو و واکسن مشمول تحریم‌ها نمی‌شوند."

در یکی دیگر از سخنان پرتناقض مقامات جمهوری اسلامی و در حالی که تاکنون همگی تحریم را مشکل اصلی برای واریز پول به "کوواکس" اعلام می‌کردند، به یکباره مصطفی قانعی رئیس کمیته علمی ستاد مقابله با کرونا روز شنبه ۲۲ آذر در یک برنامه تلویزیونی گفت: "انتقال واکسن فایزر به ایران، نیازمند هوابیما با تجهیزات ویژه‌ای است که بتواند دمای منفی ۷۰ درجه را ایجاد کند. باتوجه به اینکه ما این امکانات را نداریم، بنابراین به برنامه کوواکس اعلام کردیم که آن را نمی‌خواهیم!!! او که در عین حال دبیر "ستاد توسعه زیست فناوری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری" نیز هست، چهارشنبه ۱۹ آذر با وقاحت تمام گفته بود: "تا خرداد ۱۴۰۰

واکسن‌های ایرانی قابل تزیق هستند". جالب است که بدانیم واکسنی که از سوی همین افراد اجازه آزمایش انسانی دریافت کرده و قرار است از دی‌ماه با دادن پول قربانیانی از میان فقرا برای آغاز آزمایش انسانی پیدا کند، متعلق به هلدینگ "برکت" وابسته به "ستاد اجرایی فرمان امام" یعنی یکی از شرکت‌های عظیم متعلق به خامنه‌ای می‌باشد که بخش بزرگی از بازار دارو و تجهیزات پزشکی را با سودهای بالای صددرصد در انحصار خود دارد.

در واقع سیاست جمهوری اسلامی در زمینه تبلیغ واکسن ایرانی کرونا و عدم خرید واکسن کرونا از خارج، ادامه همان سیاست ایمنی جمعی است که امیر سوادکوهی نیز آن را تأیید می‌کند. سوادکوهی در بخش دیگری از گفتگوی خود با خبرگزاری ایلنا با بیان این‌که تست کرونا در بسیاری از نقاط دنیا رایگان است، می‌گوید: "هر چند رییس جمهور اعلام می‌کند که تمام مراحل درمان کرونا رایگان است اما اینگونه نیست و در بیمارستان‌ها هزینه تمام خدمات از بیماران دریافت می‌شود و بارانه‌ای از طرف دولت پرداخت نشده است. ادعای رایگان بودن خدمات، حکایت همان واکسنی است که وزیر بهداشت می‌گوید رزرو کرده اما رییس بانک مرکزی مدعی است که چنین اعتباری را نداریم و تحریم اجازه خرید واکسن را نمی‌دهد. این در حالی است که فعالان و واردکنندگان دارو می‌گویند واردات واکسن ارتباطی به تحریم‌ها ندارد." وی با بیان این که در این منطقه فقط کشور هند است که قدرت واکسن‌سازی را دارد، در ادامه می‌گوید: "این ادعای ایران مبنی بر ساخت واکسن پاک کردن صورت مساله است، سیستم اجرایی کشور هم در رزرو واکسن ثبت‌نام نمی‌کند چرا که به دنبال تولید واکسن داخلی است که در نهایت هم کسی از واکسن داخلی استقبال نمی‌کند."

در رابطه با واکسن تولید داخل، علی فاطمی نائب رئیس انجمن داروسازان ایران به خبرنگاری دولتی "مهر" این چنین می‌گوید: "سازمان غذا و دارو تحت فشار سیاسی سنگین برای تأیید واکسن و داروهای ضد کرونا ساخت داخل قرار گرفته است... متأسفانه بعضی جریان‌های سیاسی با سودگران سلامت مردم همراه می‌شوند و به سازمان غذا و دارو برای تأیید این داروها فشار می‌آورند." او می‌گوید: "گرفتن تأییدیه ضد کرونا از وزارت بهداشت برای هر دارویی، به معنای سرازیر شدن درآمد کلان برای صاحب دارو است و لذا طبیعی است که امروز رقابت شدیدی برای گرفتن این مجوزها در جریان باشد."

با کمی دقت می‌توان دریافت که سیاست جمهوری اسلامی همین نکته آخریست که علی فاطمی می‌گوید و این را هم در بودجه در نظر

## واکسیناسیون همگانی، مطمئن و رایگان حق تمام مردم ساکن ایران است

گرفته شده برای خرید واکسن کرونا می‌توان دید و هم در سخنان صریح سعید نمکی و سخنگوی سازمان غذا و دارو. کیانوش جهانپور سخنگوی سازمان غذا و دارو و رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت روز سه شنبه ۱۷ آذر گفت: "ما بخشی از واکسن کرونای موردنیاز خود را از خارج خریداری خواهیم کرد، اما باید توجه داشت که با توجه به دست‌آوردهای محققان داخلی در تولید واکسن کرونا بخش دیگر نیاز کشور از طریق تولید داخل تامین می‌شود".

سعید نمکی نیز در یک برنامه زنده تلویزیونی روز چهارشنبه ۱۹ آذر گفت: "خوشختانه با دستور صریح رئیس جمهور بحث تامین واکسن از خارج از کشور علی‌رغم تحریم‌ها با جدیت دنبال می‌شود و گره‌های واردات آن گشوده خواهد شد. به زودی واکسن‌های وارداتی برای گروه‌های آسیب‌پذیر وارد خواهد شد. همچنین در آینده بسیار نزدیک واکسن داخلی به عنوان افتخار ملی در اختیار مردم قرار خواهد گرفت". بنابراین براساس سخنان صریح این دو مقام دولتی، واکسن وارداتی فقط برای گروه‌های آسیب‌پذیر خواهد بود و بقیه مردم باید در انتظار واکسن داخلی روزانه صدها نفر قربانی شوند. از این هم بگذریم که منظور واقعی نمکی از گروه‌های آسیب‌پذیر نه کادر درمانی است و نه سالمندان، بلکه منظور واقعی او پולداران از جمله مقامات و مزدوران حکومتی هستند.

جدا از سخنان امیر سوادکوهی که اساسا توان ایران برای ساختن واکسن کرونا را رد می‌کند، مجمع عمومی سازمان نظام پزشکی ایران نیز روز دوشنبه ۱۷ آذر با ارسال نامه‌ای از حسن روحانی خواست تا زندگی میلیون‌ها انسان را به رقابت‌های سیاسی و غیره پیوند نهد. مجمع در نامه خود نوشت: "به نتیجه رسیدن تلاش‌های شرکت‌ها و موسسات ایرانی برای تولید واکسن، به مدت زمانی نیاز دارد که صرف این مدت، باز هم ما را در مقابله با اپیدمی و پاندمی ویروس کرونا بیشتر عقب نگاه خواهد داشت". در یک کلام باید گفت خبر ساخت واکسن کرونا در ایران همان‌قدر قابل اطمینان است که نشان دادن بشقاب فرمانده سپاه با نام مستعان ۱۱۰ برای شناسایی ویروس کرونا در چند ثانیه در تلویزیون جمهوری اسلامی قابل اطمینان بود!!!

نگاهی به میزان بودجه اختصاص داده شده برای واکسن کرونا نیز این مساله را آشکار می‌کند. مژگان خانلو سخنگوی ستاد بودجه ۱۴۰۰ سازمان برنامه و بودجه، ۱۷ آذر با بیان این‌که هزار میلیارد تومان منابع برای واکسن کرونا در بودجه در نظر گرفته شده گفت: "اعتبارات مورد نیاز برای تامین دارو، واکسن و شیرخشک از ۲ هزار و ۲۸۲ میلیارد تومان به ۳ هزار و ۶۸۵ میلیارد تومان افزایش یافته است". او در حالی از اختصاص ۱۰۰۰ میلیارد تومان برای واکسن کرونا خبر داد که حمید پوراصغری معاون امور علمی فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه گفته است خرید و واردات واکسن خارجی کرونا در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ ردیف مستقلی

ندارد. بنابراین اگر خوب دقت شود کلا مبلغ هزار و ۴۰۳ میلیارد تومان در بودجه سال آینده به تامین دارو، واکسن و شیرخشک نسبت به سال گذشته اضافه شده است که این مبلغ شامل واکسن کرونا نیز می‌گردد. اما نکته مهم دیگر این است که بودجه سال جاری با دلار ۴۲۰۰ تومانی تنظیم شده بود و بودجه سال آینده با دلار ۱۱۵۰۰ تومانی. بنابراین به‌طور واقعی بودجه تامین دارو، واکسن و شیرخشک از خارج کشور کاهش یافته و ردیف مستقلی نیز برای خرید واکسن ویروس کرونا وجود ندارد!!! در واقع اگر تاکنون ریالی برای خرید واکسن هزینه نشده به‌خاطر این است که قرار هم نبوده ریالی خرج شود. اما اگر حتی ۱۰۰۰ میلیارد تومان هم برای ویروس کرونا در بودجه ۱۴۰۰ در نظر گرفته شود آیا این مبلغ کافی است؟!

این مبلغ آن‌قدر ناچیز است که حتی خودشان نیز به آن اعتراف دارند. حسینعلی شهبازی رئیس کمیسیون بهداشت مجلس اسلامی در گفتگو با روزنامه "سپید" در این رابطه می‌گوید: "اگر ما تصور می‌کنیم که با هزار میلیارد تومان می‌توانیم حتی در داخل هم واکسن تولید کنیم، چنین چیزی شدنی نیست. حتی برای همین شرکت‌های تولید داخلی، حداقل دویست، سیصد میلیون دلار پول لازم است که به آن‌ها کمک شود که اگر محاسبه کنید، چندین هزار میلیارد تومان می‌شود". وی ادامه می‌دهد: "وزارت بهداشت و درمان با موافقت ستاد ملی مبارزه با کرونا درخواست ۱۸ میلیون و ۸۰۰ هزار واکسن را به مجموعه کوواکس اعلام کرده و به این منظور لازم است که مبلغ ۵۲ میلیون دلار به عنوان پیش‌پرداخت به این مجموعه پرداخت شود ولی متأسفانه تا الان که من با شما صحبت می‌کنم هنوز بانک مرکزی پولی برای این منظور پرداخت نکرده است و معلوم نیست همان اتفاقی که برای واکسن آنفولانزا افتاد، این بار برای واکسن کرونا هم نیفتد". (منظور وی ماجرای خرید واکسن آنفولانزا است که به جای دو میلیون واکسن آنفولانزا تنها ۲۵۰ هزار واکسن وارد کشور شد!!!). عدم اختصاص پول برای مقابله با همگیری ویروس کرونا که تاکنون براساس آمار رسمی ۵۲ هزار قربانی داشته و براساس آمار غیر رسمی حداقل دو برابر این میزان، در حالی‌ست که برای کشته شدن قاسم سلیمانی یعنی یک نفر در برابر صد هزار قربانی کرونا، ظرف یک روز ۲۰۰ میلیون دلار از صندوق توسعه ملی به سپاه قدس اختصاص یافت!!! به‌طور واقعی تعداد جان‌باختگان در اثر ابتلا به

ویروس کرونا در طول کمتر از یکسال به حدود نیمی از کل کشته‌شدگان در جنگ هشت‌ساله بین ایران و عراق نزدیک می‌شود و اگر این روند ادامه یابد می‌تواند حتی از تعداد کل کشته‌شدگان جنگ فاجعه‌بار هشت ساله فراتر رود. همی این‌ها نتیجه‌ی سیاست‌های جنایتکارانه جمهوری اسلامی در ویرانی سیستم درمانی، نبود تامین اجتماعی، گسترش فقر و اتخاذ سیاست ایمنی جمعی به دلیل عدم اختصاص منابع مالی است.

هم‌اکنون واکسیناسیون عمومی در برخی از کشورها آغاز و در برخی از کشورهای دیگر نیز در روزها و هفته‌های آینده شروع می‌شود، اما جمهوری اسلامی هنوز هیچ اقدام عملی را برای این واکسیناسیون شروع نکرده است. در برخی از این کشورها مانند آلمان که قرار است در ماه آینده واکسیناسیون عمومی آغاز شود، دولت شروع به آماده‌سازی مراکز بزرگی برای اجرای این پروژه عظیم کرده است، اما از این بسترسازی‌ها نیز در ایران خبری نیست. تنها وعده است و دروغ. حکومتی که بیش از ۴۰ سال است به مردم دروغ گفته و این دروغ را در رسانه‌های خود نیز وقیحانه جار می‌زند، آن‌هم با وقاحتی که حد و مرزی نمی‌شناسد. نتیجه‌ی ۴ دهه حکومتی که خود را ام‌القرای اسلام می‌داند و در واقع ام‌الفساد و دروغ و تزویر است، چیزی‌ست که امروز همگان به‌خوبی می‌بینیم، کشوری که بخشی از مردم ستمدیده آن حتی قدرت خرید نان را ندارند. کشوری که بیش از ۸۰ درصد مردم آن زیر خط فقر قرار دارند، کشوری ویران، کشوری مصیبت‌زده، کشوری که آتش خشم ستمدیدگان در هر کوی و برزن جاری‌ست.

امروز خواست فوری تمامی مردم، واکسیناسیون همگانی، مطمئن و رایگان برای ساکنان کشور است. این حق بدیهی مردمی‌ست که در طول یکسال گذشته بی‌رحمانه به قتل‌گاه فرستاده شدند. واکسیناسیون عمومی و درمان رایگان بیماری کرونا در تمامی مراحل حق بدیهی مردم است که جمهوری اسلامی تا امروز این حق را از مردم گرفته و بدین‌ترتیب بخش بزرگی از مردم ستمدیده را قربانی سیاست جنایتکارانه خود کرده است. عدم خرید واکسن مطمئن خارجی به بهانه‌ی تولید واکسن داخلی یک اقدام جنایتکارانه دیگر است، اقدامی که نتیجه‌ی آن چیزی جز ادامه قتل‌عام مردم ستمدیده‌ی ایران نیست. باید به مقابله با این سیاست جنایتکارانه برخاست و اجازه نداد تا جمهوری اسلامی در حالی‌که سالانه میلیاردها دلار خرج سیاست‌های جنگ‌افروزانه خود می‌کند، پول واکسیناسیون عمومی، مطمئن و رایگان مردم را به جنگ‌افزار، خرج مزدوران نظامی و مذهبی و دستگاه‌های سرکوب و مذهبی خود کند. نباید گذاشت. باید بپا خاست.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک  
اعتصاب عمومی سیاسی و  
قیام مسلحانه برانداخت**

## بیکاری فزاینده و راه‌هایی قطعی از شر آن



حاکم از جمله سیاست‌های تبعیض‌آمیز آن سبب شده است که درصد بیکاری در استان خوزستان از اغلب استان‌های کشور بالاتر باشد. شکی نیست که در استخدام و واگذاری کار به افراد، غیربومی بودن نیروی کار نمی‌تواند و نباید امتیاز محسوب شود و به آنرا جحیت داده شود. چنانچه بومی بودن نیروی کار نیز نمی‌تواند و نباید امتیاز محسوب شود و ارجح باشد. این دو دیدگاه و دریچه نگاه به مسئله، به دوستی در میان کارگران دامن می‌زند، اتحاد کارگران را زیر ضرب می‌گیرد و با منافع واحد طبقه کارگر منافات دارد.

اگرچه مسئله بیکاری در استان خوزستان (و لرستان و برخی استان‌های دیگر) بسیار حاد و شدید است، اما واقعیت این است که معضل بیکاری به این استان‌ها خلاصه نمی‌شود. بیکاری یک معضل سرتاسری است. بیکاری که زائیده نظام سرمایه‌داری است در سال‌های اخیر، با تشدید تحریم‌ها، به‌ویژه شیوع بیماری کرونا بسی تشدید شده است. نرخ بیکاری در بهار سالجاری (۹۹) نسبت به سال گذشته افزایش داشته و در استان‌های مختلف از ۴ تا ۲۱ درصد رشد داشته است. در حالی که مرکز آمار نرخ بیکاری بهار امسال را ۹/۸ درصد اعلام نمود، مرکز پژوهش‌های مجلس نرخ بیکاری را ۲۴ درصد اعلام کرد. البته رقم واقعی رشد نرخ بیکاری بیشتر از این است. به گفته حسن‌زاده، رئیس مرکز آمار، در پی شیوع کرونا تنها در فصل بهار ۲ میلیون نفر بیکار شدند. مطابق گزارش چند ماه پیش مرکز پژوهش‌های مجلس، کرونا تا ۶ میلیون نفر را بیکار نموده است. شمار بیکاران به بالای ۱۰ میلیون رسیده است. جمعیت بیکار فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها نسبت به کل بیکاران از ۴۰ درصد تجاوز کرده است. میلیون‌ها بیکار و جوان جویای کار در سراسر کشور از بیکاری رنج می‌برند و جمهوری اسلامی هیچ راه‌حلی حتی موقتی و کوتاه‌مدت در حد سایر کشورهای سرمایه‌داری برای تعدیل این بحران ندارد. "کار، یا بیمه بیکاری" که یکی از شعارهای اصلی بیکاران و جویندگان کار است، بدیهی‌ترین خواست میلیون‌ها جوان بیکار است. با وجود آنکه بیش از ۱۰ ماه از زمان اعلام رسمی شیوع کرونا گذشته است اما نهمین هیچ‌گونه مستمری به افراد بیکار شده پرداخت‌نشده اقدام حمایتی از آن‌ها به عمل نیامده، بلکه مستمری بیمه بیکاری که در ماده ۱۵ قانون کار نیز پیش‌بینی و برآنتصریح شده نیز، جز در مواردی محدود و ناقص، به بیکاران پرداخت نشده است. این در حالی است که با توجه به نرخ تورم، با مستمری بیمه بیکاری نمی‌توان حتی هزینه یک هفته را تأمین کرد. برابر آمار مرکز آمار، نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه یعنی میزان

و اخراجی هفت‌تپه رضا الکثیر است که روز شنبه ۲۲ آذر دست به خودکشی زد و جان باخت. چندروز پیش رئیس بازرسی کل کشور (درویشیان) که چندین روز پس از جاری شدن سیل و غوطه‌ور شدن خانه‌های مردم شهرهای خوزستان در سیل و فاضلاب و ساقط شدن از هستی به این استان سفر کرده بود، سوای اعتراف به مشکلات عدیده مردم خوزستان ناشی از سیل و گرفتگی فاضلاب از جمله مورد مسکن و آب شرب، به فقر و بدبختی و بیکاری جوانان این شهرها نیز اشاره کرد. وی گفت "هرجا برای بازدید رفتیم، اشتغال مطالبه عمومی بود، در حالی که ما موریت ما راجع به بحث آب‌گرفتگی است" وی در ادامه از بیکاری جوانان در منطقه‌ای که به گفته وی "۲۳ واحد پتروشیمی فعال است که خودش زمینه اشتغال است" ظاهراً از میزان بالای بیکاری اظهار تعجب کرد.

این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی حتی در همان محدوده‌های اندکی که به سایر استان‌ها می‌رسد، به استان خوزستان (و استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان و کردستان) رسیدگی و برای آن هزینه نمی‌کند. افزون بر این بودجه‌ای اندکی که به این استان‌ها اختصاص می‌یابد، بخشاً توسط مأمورین و مسئولین دولتی بالا کشیده و حیف‌ومیل می‌شود. مطابق سخنان رئیس سازمان بازرسی کشور درخصوص اختصاص ۳ درصد از درآمد نفتی به استان خوزستان دولت در سال ۹۷، حدود ۴۰ درصد، در سال ۹۸، ۲۰ درصد و امسال تاکنون حدود ۱۲ درصد از آن ۳ درصد درآمد نفتی را به استان پرداخت کرده است.

بنابراین روشن است که اولاً بودجه‌ای که از محل ۳ درصد درآمد نفتی می‌بایستی به استان خوزستان اختصاص داده می‌شده، هزینه نشده و هر ساله به‌طور متوسط بیش از ۷۵ درصد آن ناپدید شده است. ثانیاً آن مبلغ کمتر از ۲۵ درصد اختصاص‌یافته نیز معلوم نیست در کجا هزینه شده، چه کار و اشتغالی ایجاد نموده و کدام بخش از نیازهای مردم خوزستان را برآورده ساخته و یا این‌که اساساً آن‌هم توسط مقامات محلی و استانی غارت و حیف‌ومیل شده است.

واقعیت تلخ و دردناک دیگر این است که هر غم وجود شرکت‌های متعدد و گوناگون و فعالیت صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در خوزستان، درصد بیکاری در این استان بالا است. اغلب مدیران و صاحبان این شرکت‌ها و مؤسسات، در مرحله نخست نورچشمی‌ها و نزدیکان و سفارشی‌های آشنایان خود را استخدام می‌کنند. کارفرمایان عموماً سعی می‌کنند تا جایی که امکان داشته باشد، کمتر نیروی بومی را بیکار بگذارند. گاه از دوفرده و نیروی کاری که به لحاظ سابقه، تخصص و تحصیل و مزد و غیره هم‌طرازند، نیروی بومی حذف و غیربومی جذب کار می‌شود. این تبعیض آشکار که به‌نوبه خود به معنای تشدید بیکاری در میان اهالی محل است همواره یکی از موضوعات مورد اعتراض و نارضایتی نیروی کار بومی است که شدیداً معترض استخدام‌های سفارشی و پارتی‌باز بوده‌اند. مجموعه سیاست‌های طبقه

جویای کار در شهر سرداران شوشتر، برای دومین روز متوالی در یکی از جاده‌های این شهر دست به تجمع زدند و جاده را به روی سرویس‌های شرکت کشت و صنعت "امام خمینی" مسدود ساختند. تجمع‌کنندگان بیکار خواهان کار، نسبت به استخدام‌های سفارشی اعتراض کردند. پیش‌از این نیز صدها تن دیگر از بیکاران و جوانان جویای کار در شهرهای مختلف کشور تجمعات اعتراضی برگزار نموده و خواهان کار شده بودند. روزهای ۱۷ و ۱۸ آذر در مشهد و تهران گروه‌های دیگری از بیکاران و گرسنگان و کارگران روزمزد، با خواست کار یا بیمه بیکاری و در دست داشتن کاغذ نوشته‌هایی دست به تجمع زدند. بر این کاغذ نوشته‌ها شعارهایی چون: نه به بیکاری، نه به گرسنگی، از کارگران روزمزد حمایت کنید، غذایست، ترس نیست و انقلاب کارگران در راه است، نقش بسته بود. در سبزوار نیز روز ۱۷ آذر کارگران ساختمانی بیکار دسته‌تجمع زدند. کارگران فریاد می‌زدند "ما بیکاریم و بیمه بیکاری نداریم" در زنجان نیز بیکاران و جویندگان کار تجمعات مشابهی برپا کردند.



علاوه بر این‌ها این روزها در شهرهای مختلف به‌ویژه شهرهای استان‌های جنوبی کشور اقشار گوناگون و تهیدست جامعه که از وضع موجود به ستوه آمده‌اند، کراهِ دست به تجمع و اعتراض زده‌اند. از تجمعات اعتراضی مردم سرپندر گرفته تا تجمعات اعتراضی کشاورزان و اعصاب رانندگان تاکسی و اتوبوس در کیش و فلورجان و تهران تا کارگران راه‌آهن و قطار شهری و پتروشیمی و غیره، همه‌جا مردم در حال اعتراض‌اند و نارضایتی شدید خویش از وضع موجود را در اشکال علنی مبارزه بروز می‌دهند. واقعیت این است که آمار بیکاری بسیار بالاست و در استان‌هایی از نمونه خوزستان، این آمار از میانگین نرخ بیکاری کشور بیشتر است. گرانی مایحتاج عمومی و فشارهای کمرشکن اقتصادی و معیشتی، کارگران حتی شاغل را از تأمین حداقل‌های ضروری برای ادامه حیات ناتوان ساخته و آن‌ها را به مرز عصیان کشانده است، چه رسد به میلیون‌ها بیکار و جوان جویای کار که برای تهیه نیازهای زندگی و حتی خوردوخوراک روزمره هیچ ممر درآمدی ندارند. آن‌هم در شرایطی که به اعتراف رسانه‌های حکومتی از جمله روزنامه ابتکار، یک کارگر برای گذران زندگی در حد تأمین حداقل معیشت، ماهانه باید ۱۰ میلیون تومان مزد بگیرد. کم نیستند کارگران بیکاری که از فشار بیکاری و تنگناهای ناشی از آن دست به خودکشی زده‌اند. آخرین نمونه آن کارگر بیکار شده

## بیکاری فزاینده و راه‌های قطعی از شر آن



درجه وسیله اشتغال بودن آن‌ها برای کارگر کمتری می‌شود، خود این نسبت نیز از نو، دستخوش تغییر می‌گردد زیرا سرمایه برحسب نمو نیروی بارآور کار توقعش را از کار سریع‌تر از تقاضای استخدام کارگر بالا می‌برد. کار بی‌اندازه‌ی بخش شاغل طبقه کارگر، صفوف ذخیره را متورم می‌سازد، درحالی‌که بالعکس فشار فزاینده‌ی که این بخش اخیر به‌وسیله رقابت خویش به بخش نخست وارد می‌کند آن را به کار طاقت‌فرسا و قبول تحمیلات کارفرما وادار می‌نماید. محکوم ساختن بخشی از طبقه کارگر به بیکاری اجباری با توسل به کار طاقت‌فرسای بخش دیگر و بالعکس، وسیله‌ی توانگر شدن انفرادی سرمایه‌داران می‌گردد و درعین‌حال تولید سپاه صنعتی ذخیره را به‌مقیاسی که با پیشرفت انباشت اجتماعی متناسب است تسریع می‌کند.

بنابراین بیکاری و تولید ارتش ذخیره کار در ذات نظام سرمایه‌داری و از ملزومات آن است. تمام نظام‌های سرمایه‌داری در سرتاسر جهان از این‌قاعده تبعیت می‌کنند. در جمهوری اسلامی اما علاوه بر این، سیاست‌های ضد کارگری رژیم، ابعاد بیکاری را به مرزهای باورنکردنی و تا سرحد یک فاجعه بزرگ گسترش داده است. داشتن کار، حق مسلم و بی‌چون‌وچرا بهره‌کارگر و جوان جویای کار است. اگر جمهوری اسلامی نمی‌تواند برای بیکاران کار و اشتغال ایجاد کند باید به بیکاران حق بیمه بیکاری پرداخت کند. جمهوری اسلامی طی بیش از ۴۰ سال حاکمیت خود نه‌فقط گامی در راستای تحقق این خواست برداشته و اقدام مناسبی برای تعدیل آن حتی درحد سایر کشورهای سرمایه‌داری انجام نداده است، بلکه با سیاست‌های ارتجاعی و به‌غایت ضد کارگری خویش، مدام بر عمق فاجعه و ابعاد بحران بیکاری افزوده است. بنابراین نخستین گام حتی برای تحقق شعار "کار یا بیمه بیکاری" که کار است براندازی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. راهی قطعی از شریبیکاری و سایر مصائب اجتماعی اما درگرو به زیر کشیدن تمام نظم سرمایه‌داری حاکم و استقرار یک حکومت شورایی است. در حکومت شورایی

به‌فوری‌تیکرشته اقدامات اجتماعی و رفاهی به نفع کارگران و توده‌های زحمتکش به مرحله اجرا گذاشته می‌شود که در صدر آن برقراری یک سیستم تأمین اجتماعی به نفع کارگران و زحمت‌کشان است به‌منحوی که هرکس از گهواره تاگور از مزایای سیستم تأمین اجتماعی برخوردار می‌شود. حکومت شورایی برای تمام افراد جامعه از جمله میلیون‌ها بیکار و جوان جویای کار، کار ایجاد می‌کند و مدامی که این خواست به‌طور کامل تحقق نیافته است، به‌بیکاران حق بیکاری معادل مخرج یک خانواده چهارنفره پرداخت می‌شود.

وسرعت تغییرات در ترکیب آلی سرمایه چنین نتیجه می‌گیرد که کارگر با انباشت سرمایه که خود موجد آن است، به‌طور دائمی وسایل زائد ساختن نسبی خود را فراهم می‌کند. با مقدار سرمایه وارد درکار و درجه رشد آن، با گسترش دامنه تولید و توده کارگرانی که به حرکت درآمده‌اند، با ترقی بارآوری کار آن‌ها و با فوران نیرومندتر و کامل‌تر همه سرچشمه‌های ثروت، مقیاسی نیز که در آن جذب بیشتر کارگران به‌وسیله سرمایه با دفع بیشتر آن‌ها بستگی دارد، گسترده‌تر می‌شود، سرعت تغییرات در ترکیب آلی سرمایه و درصورت فنی آن افزایش می‌یابد و دامنه آن محیط‌هایی از تولید که تغییرات مزبور در آن‌ها، گاه هم‌زمان و گاه متناوباً راه پیدا می‌کنند منبسط می‌گردد. بنابراین جمعیت کارگری با انباشت سرمایه‌ای که خود موجد آن است، مستمراً وسایل زائد ساختن نسبی خویش را فراهم می‌سازد.

مارکس از این جمعیت زائد کارگری یا ارتش ذخیره کار که نتیجه ناگزیر انباشت سرمایه است به‌عنوان یکی از نیازهای ارزش افزایی سرمایه و شرط حیاتی صنعت جدید یاد می‌کند. اما اگر وجود جمعیت زائد کارگری نتیجه انباشت یا توسعه ثروت بر اساس سرمایه‌داری است، برعکس همین اضافه جمعیت به‌نوبه خود اهرمی برای انباشت سرمایه‌داری می‌گردد و حتی به یکی از شرایط وجودی شیوه تولید سرمایه‌داری مبدل می‌شود. اضافه جمعیت مزبور، ارتش احتیاط صنعتی آماده‌به‌خدمت‌بیهی وجود می‌آورد، که چنان کامل و مطلق به سرمایه تعلق دارد که گوئی وی آن را با مخرج شخصی خود پرورده است. وی برای تأمین احتیاجات متغیر ارزش افزایی سرمایه، مصالح انسانی همواره آماده‌ای را ایجاد می‌کند که مستقل از حدود حقیقی افزایش جمعیت است، "یک جمعیت نسبتاً زائد، یعنی زائد در رابطه با احتیاجات ارزش افزایی متوسط سرمایه، شرط حیاتی صنعت جدید است."

سرمایه‌دار در پروسه رشد و نمو نیروهای بارآور کار، توقعش را از کار بالاتر می‌برد. علاقه مطلق هر سرمایه‌دار بر این است که مقدار مشخصی کار را از تعداد کمتری کارگر بیرون بکشد، بجای آنکه به همان قیمت یا حتی ارزان‌تر از آن راه، از تعداد بیشتری کارگر درآورد و درواقع بیش از آنکه در فکر استخدام کارگر جدید باشد سعی می‌کند کار بیشتر یاز کارگران موجود بکشد. سرمایه‌دار به‌وسیله افزایش شدت و فشار کار و تحمیل کار طاقت‌فرسا بر کارگران شاغل، درواقع بخشی از طبقه کارگر را به بیکاری اجباری محکوم می‌کند. مارکس این پدیده و تسریع تولید ارتش ذخیره کار را که با پیشرفت انباشت اجتماعی متناسب است چنین توضیح می‌دهد:

"تولید اضافه جمعیت نسبی یا مرخص ساختن کارگران بازم سریع‌تر از تحول فنی پروسه تولید، که خود با ترقی انباشت به‌شتاب آمده است، پیش می‌رود و نیز سرعت آن بیش از کاهشی است که متناسباً در جزء متغیر سرمایه نسبت به جزء ثابت حاصل می‌گردد. درحالی‌که هر قدر وسعت دامنه و تأثیر وسایل تولید افزایش می‌یابد

افزایش قیمت‌ها از آبان پارسال تا آبان امسال ۴۶.۴ درصد بوده است. گرچه همین رقم نیز به‌روشنی کاهش فاحش ناگزیر سطح معیشت کارگران و زحمت‌کشان را نشان می‌دهد، اما واقعیت این است که نرخ تورم از این هم بیشتر و اوضاع از این هم وخیم‌تر است.

واقعیت این است که در طول چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، رقم بیکاران و جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار تا بدین حد بالا و بحران بیکاری تا بدین اندازه حاد و شدید نبوده



است. هرچقدر بر عمر نکبت‌بار رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی افزوده‌شده، این بحران نیز حادتر و شدیدتر شده است.

بیکاری یکی از معضلات اصلی هر جامعه سرمایه‌داری، زائیده این نظام و از ملزومات انباشت سرمایه است. تبدیل ارزش اضافه به سرمایه، انباشت سرمایه خوانده می‌شود. سرمایه درواقع به وسایل تولید (سرمایه ثابت) و نیروی زنده کار (سرمایه متغیر) تقسیم و نسبت حجم وسایل تولید بکار رفته و مقدار کاری که برای استفاده از آن‌ها ضروری است، ترکیب آلی سرمایه خوانده می‌شود. مارکس در مورد پیشرفت انباشت سرمایه و تنزل نسبی سرعت تقاضای کار می‌نویسد: با پیشرفت انباشت، نسبت سرمایه ثابت به سرمایه متغیر دگرگون می‌شود و جزء ثابت سرمایه به زیان جزء متغیر آن، دائماً افزایش می‌یابد. تقاضای کار در رابطه با مقدار سرمایه کل، به‌طور نسبی و با تصاعدی پرشتاب‌تر از افزایش مقدار مزبور تنزل می‌کند. البته با نمو سرمایه کل، جزء متغیر آن، با نیروی کاری که سرمایه درخود فرومی‌برد، نیز افزایش می‌یابد، ولی در نسبتی که دائماً درحال نزول است. مارکس ضمن بیان انباشت فزاینده و تمرکز که منشأ تغییر جدیدی در ترکیب سرمایه و موجب کاهش جزء متغیر سرمایه نسبت به جزء ثابت آن است می‌نویسد: این کاهش نسبی جزء متغیر سرمایه، که در اثر نمو سرمایه کل به‌شتاب آمده ولی سریع‌تر از نمو خود سرمایه شتابان است، معکوساً چنین می‌نماید که گویا افزایش مطلق جمعیت کارگری همواره سریع‌تر از نمو سرمایه متغیر یا وسایل اشتغال جمعیت مزبور انجام می‌گیرد. درحقیقت انباشت سرمایه‌داری به نسبت توانائی و عرض و طول خویش دائماً یک اضافه جمعیت کارگری یا جمعیت کارگری زائدی را به‌وجود می‌آورد که جنبه نسبی دارد، یعنی متجاوز از میزان نیازمندی‌های متوسط سرمایه است. (تلف‌قول‌ها هم‌مجا از کاپیتال جلد اول ترجمه ایرج اسکندری چاپ قدیم صفحات ۵۶۹ الی ۵۷۹ است)

مارکس در ادامه با اشاره به گسترش دامنه تولید

## سرمایه‌داری و رونق بازار جهانی جنگ‌افزار

### سیلی که تمام بی‌کفایتی جمهوری اسلامی را به روی آب ریخت

خدمات نظامی داشتند، انتشار داد. این گزارش نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۹ حجم فروش این ۲۵ شرکت ۸ / ۵ درصد نسبت به سال قبل از آن افزایش یافته است. ۱۲ شرکت از این ۲۵ شرکت، آمریکایی هستند که مجموعاً ۶۱ درصد فروش را به خود اختصاص دادند. ۵ انحصار اول این لیست، لاکهید مارتین، بوئینگ، نورثروپ گرومن، ریتون و جنرال دینامیکز شرکت‌های آمریکایی هستند که فروش سالانه آن‌ها ۱۶۶ میلیارد دلار بود. ۴ شرکت چینی در این لیست در میان ده شرکت نخست قرار دارند. درآمد این شرکت‌های چینی به همراه یک شرکت در ردیف ۲۴، ۴ / ۸ درصد رشد داشته است. بعد از آمریکا چین دومین سهم فروش را با ۱۶ درصد به خود اختصاص داد. ۶ انحصار تسلیحاتی اروپای غربی در مجموع ۱۸ درصد فروش این مجموعه را در اختیار داشتند. دو شرکت روسی ۳ / ۹ درصد فروش‌ها را از مجموع فروش ۲۵ شرکت به خود اختصاص دادند. فروش تسلیحات روسی در سال‌های اخیر به علت تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی این کشور کاهش یافته است. با این‌وجود هنوز دومین کشور صادرکننده تسلیحات است.

بر طبق این گزارش سپیری، بیش‌ترین درصد افزایش فروش سالانه تسلیحات را با ۱۰۵ درصد، گروه فرانسوی هواپیماسازی داسو داشته است، اما بزرگ‌ترین افزایش مطلق درآمد تسلیحاتی به مبلغ ۱ / ۵ میلیارد دلار به انحصار تسلیحاتی آمریکایی لاکهید تعلق گرفت.

در سال‌های پیش‌ازین نیز همین روند افزایش مستمر فروش جنگ‌افزار وجود داشته است. در دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ حجم معاملات تسلیحاتی نسبت به دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ افزایش ۲۰ درصدی را نشان می‌دهد.

بر طبق گزارش پیشین سپیری، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ آمریکا و روسیه اصلی‌ترین صادرکنندگان تسلیحات در جهان بودند. حجم تجارت تسلیحاتی در دوره ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ در مقایسه با دوره پنج‌ساله قبل از آن ۵ / ۵ درصد افزایش داشته است.

صادرات تسلیحات آمریکایی بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ میلادی در مقایسه با دوره پنج‌ساله قبل از آن ۲۳ درصد افزایش یافت و سهم آمریکا در کل صادرات جهانی سلاح به ۳۶ درصد افزایش یافت. این سلاح‌ها از آمریکا به ۹۶ کشور جهان صادر شدند.

فروش تسلیحات آمریکایی در خاورمیانه در این دوره ۵ ساله ۶۱ درصد افزایش یافت. نیمی از صادرات تسلیحاتی آمریکا به عربستان، عراق، قطر، امارات، اردن، کویت و اسرائیل بود.

سهم صادرات نظامی روسیه در دوره پنج سال گذشته ۲۱ درصد از حجم جهانی اعلام شد.

در این دوره زمانی ۵ ساله، فرانسه حجم صادرات تسلیحاتی خود را ۷۲ درصد افزایش داد. آلمان نیز در ردیف چهارم کشورهای صادرکننده بزرگ تسلیحات در جهان قرار داشت.

علاوه بر صادرات چند صد میلیاردی جنگ‌افزار در هر سال، کشورهای مختلف جهان، معادل

صدها میلیارد دلار نیز سلاح برای تجهیز نیروهای مسلح خود تولید می‌کنند. بخش بزرگی از جنگ‌افزارهای تولیدشده در آمریکا، چین، روسیه و اروپا صرف تجهیز نیروهای مسلح این کشورها شده است. در کشورهایی نظیر ایران تحت حاکمیت رژیم استبدادی جمهوری اسلامی نه هزینه‌های واقعی نظامی مشخص است و نه خریدهای تسلیحاتی. اما این واقعیت بر کسی پوشیده نیست، درحالی‌که متجاوز از ۸۰ درصد مردم ایران زیرخط فقر قرار دارند و میلیون‌ها بیکار و تهیدست، گرسنه‌اند، هم‌ساله مخارج نظامی در بودجه رسمی سالانه افزایش یافته و هر سال میلیارد‌ها دلار هزینه ساختن انواع جنگ‌افزارها به‌ویژه صنایع موشکی و اجرای پروژه‌های هسته‌ای برای ساخت بمب اتم شده است.

هزینه‌های نظامی دولت‌های سرمایه‌داری جهان به‌این‌علت هم‌ساله در حال افزایش است که تضادهای سرمایه‌داری در دوران امپریالیسم و سلطه انحصارات به‌شدت حاد شده و تمام جهان سرمایه‌داری در بحرانی هم‌عانه به سر می‌برد. آنچه برای دولتی‌های سرمایه‌داری جهان در این شرایط بحرانی حائز اهمیت است، حفظ امنیت خود با تکیه به نیروهای مسلح سرکوب است. این امنیت البته دامنه وسیعی را در برمی‌گیرد، از حفظ نظم موجود در یک کشور، تأمین سلطه طبقاتی بورژوازی و ادامه استثمار طبقه کارگر تا حفظ و به دست آوردن بازارهای جهانی و تأمین مناطق نفوذ اقتصادی و سیاسی. از همین روست که امپریالیسم آمریکا حفظ امنیتش که همانا امنیت سرمایه است، تا آسیا، آمریکای لاتین، اقیانوسیه و آفریقا بسط می‌یابد و حتی دولتی از نمونه جمهوری اسلامی که امنیت خود را در داخل با تکیه به سرنیزه حفظ می‌کند، این به اصطلاح امنیت را تا دخالت در عراق، سوریه، لبنان، یمن بسط می‌دهد. در اغلب کشورهای دیگر جهان نیز وضع بر همین منوال است. بدیهی است که در چنین اوضاعی از حدت تضادها و بحران‌های عمیق، میلیتاریسم و نظامی‌گری باید رشد کند، هزینه‌های نظامی مدام افزایش یابد و هم‌ساله صدها میلیارد دلار از حاصل دسترنج کارگران صرف تولید جنگ‌افزار شود، صنایع تسلیحاتی در رونق مداوم باشند و هر سال ده‌ها میلیارد دلار سود به‌ویژه عاید انحصارات تسلیحاتی جهان گردد.

برای جهان سرمایه‌داری و طبقه سرمایه‌دار مطلقاً بی‌اهمیت است که میلیارد‌ها جمعیت جهان در چه فلاکت و بدبختی زندگی می‌کنند. این قانون نظام سرمایه‌داری است که سرمایه و ثروت، همراه با جنگ و کشتار مدام در دست تعداد کمتری از بزرگترین سرمایه‌داران در جهان انباشت شود، شکاف فقر و ثروت پیوسته عمیق‌تر گردد و به نقطه‌ای برسیم که امروز ثروتمندترین یک درصدی‌های جهان دارایی‌شان بیش از دو برابر ۹ / ۶ میلیارد جمعیت جهان باشد، یا بر طبق معیارهای کدانی بانک جهانی روزی ۹۰ / ۱ دلار که با آن نان خشک‌وخالی هم نمی‌توان تهیه کرد، ۷۲۵ میلیون نفر در فقر مطلق به سر برند، تقریباً نیمی از جمعیت جهان

بیرون درز پیدا کرده است، وجود یک قرار داد ۱۵۰ میلیون دلاری با قرارگاه خاتم الانبیاء متعلق به سپاه پاسداران است. قراردادی که پیش از این برای بازسازی زیرساخت‌های خوزستان و اصلاح آب و فاضلاب این استان بسته شده است. با درز همین خبر تا حدودی مشخص می‌گردد که این پول کجا و به شکم چه کسانی و برای چه مصارفی هزینه و حیف و میل شده است.

موارد فوق تنها گوشه کوچکی از کارنامه ننگین جمهوری اسلامی در حاکمیت ۴۱ ساله آن است. بیش از چهار دهه است که توده‌های مردم ایران علاوه بر سیل و زلزله، با فقر و بیکاری، زندان و شکنجه، کشتار و سرکوب و دیگر ویرانگری‌های جمهوری اسلامی مواجه‌اند. افزون بر این، مردم خوزستان، هرمزگان و بوشهر با مشکلات عدیده دیگری هم دست به گریبانند. بیش از یک دهه است که با هر بارندگی در اهواز و سایر شهرهای خوزستان، مردم این مناطق با بحران آب‌گرفتگی و سیل و جاری شدن فاضلاب در کوچه و خیابان و خانه‌های خود مواجه‌اند. در نظام جمهوری اسلامی، برای حل این بحران‌های ویرانگر هرگز یک بودجه کافی و لازم اختصاص داده نشد. همان بودجه‌های حداقلی هم که اختصاص یافت، هیچگاه معلوم نشد پول‌ها چطور هزینه شدند و چرا پیمانکاران مرتبط که عموماً از قرار گاه خاتم الانبیاء و دیگر موسسات امنیتی وابسته به نظام هستند، هرگز مورد بازخواست قرار نگرفته‌اند.

سیل روزهای اخیر که همراه با آن تمام تعفن و گنداب و کثافات درونی نظام جمهوری اسلامی هم به روی آب آمد، یک بار دیگر به کارگران و زحمتکشان، زنان و معلمان، دانشجویان و بازنشستگان، جوانان و عموم توده‌های مردم ایران نشان داد که با بودن جمهوری اسلامی کمترین گشایشی در بهبود زندگی آنان روی نخواهد داد. برای رسیدن به آزادی، رفاه، آسایش، امنیت، و برخورداری از شادی و شادمانی، راهی جز براندازی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار نظام شورای کارگران و زحمتکشان بر ویرانه‌های نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران باقی‌نمانده است.

(۴ / ۳ میلیارد)، با درآمد روزانه کمتر از ۵۰ / ۵ دلار در روز زندگی کنند، در نبود امکانات بهداشتی و درمانی رایگان در هر سال ۱۰۰ میلیون نفر در جهان به خاطر پرداخت هزینه‌های درمانی فقیر شوند و تعداد بیکاران جهان در سال جاری با خوش‌بینانه‌ترین برآوردها از ۲۵۰ میلیون نیز تجاوز نماید. نظم سرمایه‌داری هرگز نمی‌تواند چیزی جز آنچه اکنون هست، باشد. اولویت در این نظام همواره بر سود سرمایه، تأمین هزینه‌های نظامی برای حفظ نظم موجود، توسعه‌طلبی، نظامی‌گری و آدم‌کشی است، نه جان و رفاه انسان‌ها.

## سرمایه‌داری و رونق بازار جهانی جنگ‌افزار

جهان پیوسته افزایش یافته است. به عنوان نمونه، هزینه‌های نظامی کشورهای جهان در سال ۱۹۹۹ و آغاز قرن بیست و یکم، ۸۵۲ میلیارد دلار بود تا سال ۲۰۰۹ این هزینه‌ها به ۱۵۳۱ میلیارد دلار رسید. اما بر طبق گزارش موسسه بین‌المللی پژوهشی صلح استکهلم (سیپری) در سال ۲۰۱۹ این رقم به حدود ۲ تریلیون دلار (۱۹۱۷ هزار دلار) افزایش یافت. هزینه‌های نظامی دولت آمریکا در سال ۲۰۰۰، بالغ بر ۳۲۰ میلیارد دلار بود. این هزینه‌ها در سال ۲۰۰۹، به ۶۶۱ میلیارد دلار رسید و در سال ۲۰۱۹ به ۷۳۲ میلیارد دلار افزایش یافت. در سال ۲۰۰۹ هزینه‌های نظامی چین ۱۰۰ میلیارد دلار بود. این هزینه‌ها تا ۲۰۱۹ به ۲۶۱ میلیارد دلار رسید. در همین فاصله هزینه‌های نظامی هند از ۳۶ میلیارد به ۷۱ میلیارد، روسیه از ۵ / ۵۱ میلیارد به ۶۵ میلیارد، عربستان سعودی از ۴۱ میلیارد به ۶۲ میلیارد دلار، افزایش یافت. در سال ۲۰۰۰، هزینه‌های نظامی ناتو ۸ / ۴۷۵ درصافه ۷

میلیارد دلار بود. این هزینه‌ها در سال جاری به بیش از ۱ تریلیون دلار افزایش یافته است. واقعیتی است که بخش اعظم این هزینه‌ها متعلق به قدرت‌های بزرگ جهانی، آمریکا، اروپا، روسیه، چین، هند، ژاپن است، اما هزینه‌های نظامی کشورهای دیگر نیز که به نحوی مناطق نفوذ قدرت‌های بزرگ جهانی‌اند، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا، آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین نیز افزایش یافته است. این افزایش شدید بودجه‌های نظامی که نشان‌دهنده تشدید گرایش به میلیتاریسم و افزایش خطر جنگ‌ها در مقیاس جهانی است، بازار پررونقی برای انحصارات تسلیحاتی ایجاد نموده که بخش بزرگی از این هزینه‌های نظامی را با مافوق سودهای کلان به جیب می‌زنند. در ۷ دسامبر ۲۰۲۰ سیپری گزارشی از فروش و درآمد کلان ۲۵ انحصار تسلیحاتی که بیشترین نقش را سال ۲۰۱۹ در فروش جنگ‌افزار و درصافه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 899 December 2020



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح

و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org> • <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی